



جامعه شناسی

نویسنده: مولانا دراز جمال عیادت

حضرت محمد ﷺ

باقری قرآن

طبع: انجمن ترویج اسلام، کراچی



پروفیسر سجاد علوم انسانی
رتال جامعات



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سیب‌ها، فصل ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷

شماره ۱۰، فصل ۱۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷

۱۳۹۷

هدف غایی از نظام هستی، رسیدن به کمال از طریق عبودیت و بندگی است که برای تحقق آن در زندگی اجتماعی، باید بسترها و زمینه‌ها و الگوی مناسب را فراهم آورد.

بسیار توجه به اهمیت زندگی اجتماعی و نقش اساسی آن در تربیت، رشد و کمال انسان‌ها، باید به همه جوانب زندگی اجتماعی توجه نمود.

محبت به امام زمان، یکی از ارزش‌های مهم در فرهنگ اسلامی به شمار می‌آید. این ارزش، افزون بر واجب بودن در آموزه‌های دینی، کارکردهای مثبتی برای جامعه اسلامی به ارمغان می‌آورد. در این فرایند، نقش خانواده در انتقال محبت امام زمان علیه السلام از نهادها و سازمان‌های دیگر برجسته‌تر می‌نماید. این مهم، راه کارهای ویژه‌ای را طلب می‌کند، که توجه به وراثت زیستی و طبیعی، الگوهای نقش، فرهنگ‌سازی، ارزش‌انگاری و... را می‌توان از آن جمله دانست.

فرایند انتقال محبت امام زمان علیه السلام آسیب‌هایی را نیز فرا روی خود دارد؛ که سطحی‌نگری در معنای محبت، به وجود نیاوردن انگیزه در فرزندان، عدم ارزش‌انگاری محبت امام زمان علیه السلام نظام‌مند نبودن و افراط و تفریط در انتقال آن از جمله این آسیب‌هاست.

نهاد خانواده از نهادهای مهم جوامع بشری است که بسیاری از نیازهای زیستی و روانی انسان‌ها را برآورده می‌کند. انتقال ارزش‌ها و باورداشتهای جامعه به فرزندان از مهم‌ترین کارکردهای خانواده است. از سوی دیگر، محبت و دوستی اهل‌بیت، به ویژه محبت امام‌زمان علیه السلام از ارزش‌های برجسته جامعه دینی به شمار می‌آید که انتقال این ارزش مهم، همانند ارزش‌های دیگر از کارکردهای نهاد خانواده است.

در این نوشتار، نقش خانواده را در فرایند انتقال محبت امام زمان علیه السلام باز می‌گوییم و راه‌کارهایی را بررسی خواهیم کرد که خانواده باید در پیش‌گیری تا بتواند محبت امام زمان علیه السلام را به فرزندان خود منتقل کنند. در این میان، به آسیب‌هایی خواهیم پرداخت که در این فرایند فراسوی نهاد خانواده قرار دارد.

شناخت این راه‌کارها و آسیب‌ها، به خانواده‌ها کمک می‌کند تا بتوانند محبت اهل‌بیت را با تأثیرگذاری بیشتری به فرزندان خود هدیه دهند و نیک‌بختی دنیوی و اخروی آنها را تضمین کنند.

اهداف

مطالبی در بحث ضرورت انتقال محبت بیان شده که اهداف را نیز تا حدی روشن می‌کند، ولی به طور مشخص اهداف ذیل را در طرح این موضوع می‌توان برشمرد:

۱. خانواده‌ها به یکی از مهم‌ترین وظایف خویش در امر تربیت فرزندان (أدبوا أولادکم علی ثلاث خصال، حب نبیکم و حب اهل بیته و قرائة القرآن) (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶)) بپردازند که متأسفانه پرداختن به مشکلات زندگی و تلاش برای رفاه و لذت بیشتر، بسیاری از والدین را از وظایف مهم تربیتی دور کرده است. آشنا کردن والدین با این وظیفه، و معرفی کردن راه‌کارهای عملی به آنها که در بحث راه‌کارها می‌آید.
۲. پرورش نسلی منتظر که در سایه محبت به حضرت، زمینه ظهور را فراهم آورند.
۳. مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب که تمام توجه‌اش به عشق‌های زودگذر به انسان، لوازم، لباس و... است و جای‌گزین کردن عشق و محبت به حضرت که تمام ویژگی‌های معشوق حقیقی را داراست.
۴. ارائه راه‌کاری آسان و کارآمد به والدین برای انتقال محبت حضرت تا زمینه انتقال دیگر ارزش‌های دینی و هنجارهای رفتاری در فرزندان نیز فراهم آید.

۵. جلوگیری از گرایش شدید مراکز مشاوره به سمت و سوی راه‌کارهای غیربومی و دینی برای برطرف ساختن مشکلات تربیتی و ارائه راه‌حلی آسان و عملی که با آموزه‌های دینی هم‌آهنگ باشد. متأسفانه در برخی مراکز مشاوره خانواده، گاه راه‌حلهایی برای رفع مشکلات تربیتی فرزندان ارائه می‌شود که نه با فرهنگ دینی و نه با فرهنگ بومی ما هم‌آهنگی دارد.

۶. شواهد متعددی نشان می‌دهد که بسیاری از انسان‌ها در سرتاسر دنیا، تشنه معارف دینی و الهی هستند. این مسئله، از گریز از فرهنگ مادی غرب سرچشمه می‌گیرد که با فطرت انسان‌ها ناسازگار است و نمی‌تواند نیازهای وجودی آنها را برطرف سازد. از این‌رو، روز به روز به تعداد افرادی که خواهان راه‌کارهای دینی در اداره جامعه، خانواده و... هستند، افزوده می‌شود. از طرفی ما وظیفه داریم پاسخی به آن نیازها بدهیم؛ لذا این نوشته می‌تواند بخشی از نیازها را برآورده سازد و دست‌کم دری به روی بسیاری از تشنگان باز کند و آنها را به تفکر و تأمل وادارد که خانواده اسلامی، چه توانایی‌هایی برای تربیت فرزندان دارد. در حقیقت این نوشته، الگویی عملی و کارآمد را پیش روی آنها قرار می‌دهد.



«ماهیت اجتماعی» معنای زندگی اجتماعی است؛ از طرفی نیازها، بهره‌ها و برخورداری‌ها، کارها و فعالیت‌های اجتماعی دارد و جز با تقسیم کارها و رفع نیازها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست، و از طرف دیگر نوعی اندیشه‌ها، ایده‌ها، خلق و خوی‌ها بر عموم حکومت می‌کند که به آنها وحدت و یگانگی می‌بخشد. به تعبیر دیگر، جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند.

نیازهای مشترک اجتماعی و روابط ویژه زندگی انسانی، انسان‌ها را آن‌چنان به یکدیگر پیوند می‌زند که همه سرنوشت یگانه‌ای پیدا می‌کنند؛ یا به سرمنزل مقصود می‌رسند و یا همه با هم از رفتن می‌مانند و دچار خطر می‌گردند.^۱

«جامعه‌شناسی عبارت است از مطالعه رفتار و کردار آدمی در گروه از یک طرف و چگونگی مناسبات متقابل افراد بشر از طرف دیگر.»^۲

جامعه‌شناسی، مطالعه زندگی اجتماعی گروه‌ها و جوامع انسانی در کشورهای صنعتی است؛ مطالعه‌ای هیجان‌انگیز و مجذوب‌کننده که رفتار ما به عنوان موجودات اجتماعی موضوع اصلی آن به شمار آید. دامنه آن مطالعه، بی‌نهایت وسیع است و از تحلیل برخوردهای گذرا بین افراد در خیابان تا بررسی فرآیندهای اجتماعی جهان را در برمی‌گیرد.^۳

مطالعه جامعه‌شناسی، متضمن به دست آوردن آگاهی درباره خودمان، جوامعی که در آن زندگی می‌کنیم و جوامع دیگری است که از نظر زمان و فضا با جوامع ما متفاوت هستند.^۴

جامعه‌شناسی، علم به شمار می‌آید به این مفهوم که متضمن روش‌های نظام یافته پژوهش و ارزیابی نظریه‌ها در پرتو مدارک و استدلال منطقی است.

جامعه‌شناسی، رشته‌ای به شمار می‌آید که آثار عملی مهم دارد. این علم، می‌تواند به شیوه‌های گوناگون، به انتقاد اجتماعی و اصلاحات اجتماعی عملی کمک کند:

۱. درک بهتر مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی، معمولاً امکان نظارت بهتری را بر آنها فراهم می‌کند؛

۲. جامعه‌شناسی ما را متوجه تفاوت‌های فرهنگی می‌کند و امکان سیاست‌گذاری‌ها بر پایه آگاهی از

ضرورت انتقال محبت اهل‌بیت: به فرزندان

از جمله ویژگی‌های هر مقاله‌ای آن است که بر اساس اولویت‌بندی مسائل و مشکلات، به حل مسئله و مشکل‌ها بپردازد. در هر جامعه‌ای، مسائل و معضلات فراوانی وجود دارد که برخی از آنها حساس‌تر و مبنایی‌تر است. ابتدا آنها را باید حل کرد، سپس به سراغ بقیه رفت. در این بخش، به ضرورت پرداختن به این موضوع می‌پردازیم.

۱. اهمیت و نقش محبت اهل‌بیت: و سعادت‌مندی انسان‌ها

بر اساس جهان‌بینی ما، در ورای این دنیا، آخرتی در پیش است که نیک‌بختی ما در آن‌جا، در همین دنیا رقم می‌خورد. پس این ما هستیم که می‌توانیم آینده‌ای روشن و پر از نیکی برای خودمان آماده کنیم. بر اساس مبانی دینی، محبت اهل‌بیت: و ارادت به ایشان، از جمله راه‌های میان‌بر و سریع برای رسیدن به سعادت اخروی است. چه بسا بتوان ادعا کرد که اگر محبت اهل‌بیت در دل کسی نباشد، بعید است بتواند در آخرت نجات یابد؛ البته حساب جاهل قاصر جداست؛ یعنی کسی که نمی‌داند و زمینه برایش فراهم نیست. از میان روایات متعدد، به چند مورد اشاره می‌کنیم:

الف) زمخشری از مفسران اهل‌سنت، در تفسیر معروف خود به نام الکشاف در ذیل آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^۱ می‌فرماید:

عَنِ النَّبِيِّ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] إِنَّ قَالًا مِنْ مَاتَ عَلَى حَسْبِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَرِيحًا، أَلَا وَ مِنْ مَاتَ عَلَى حَسْبِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَقْفُورًا لَهُ. أَلَا وَ مِنْ مَاتَ عَلَى حَسْبِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا...
پیامبر ﷺ فرمودند: کسی که بر محبت آل محمد میرسد، شهید است، آمرزیده می‌شود، توبه‌کننده به شمار می‌آید، با ایمان کامل مرده است، ملک الموت او را به بهشت بشارت می‌دهد و...^۲

ب) از پیامبر اکرم ﷺ فرموده است:

[دوستی من] و اهل‌بیت، در هفت منزل سخت و خطرناک برای شما سودمند است: هنگام مرگ، در قبر، هنگام نشور، هنگام حساب و کتاب، نزد میزان و هنگام عبور از صراط.^۳

شاید بر همین اساس، یکی از وظایف والدین، انتقال محبت اهل‌بیت: به فرزندان شمرده شده است؛ چنان‌که علی عليه السلام از پیامبر ﷺ نقل می‌فرماید: فرزندان خود را بر سه صفت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، محبت اهل‌بیت او و قرائت قرآن. حال که محبت اهل‌بیت این قدر مهم است و نقش مهمی در رستگاری انسان‌ها دارد، ضرورت دارد والدین و نظام تربیتی - آموزشی جامعه ما، تلاشی دوچندان برای انتقال این محبت به فرزندان از خود نشان دهند.

۲. مانع انجام دادن ناهنجاری‌های اجتماعی و فردی

سالانه هزینه‌های مالی و زمانی بسیاری در جوامع و خانواده‌ها، صرف کنترل

نابسامانی‌های اخلاقی و اجتماعی می‌شود که نتایج آن معمولاً چندان رضایت‌بخش نیست؛ مثل برخورد با مجرمان، تقویت پلیس، زندان، جریمه و... در جوامع غربی عموماً کنترل بیرونی شدید است و افراد از ترس قانون، جرئت خلاف ندارند یا کمتر خلاف می‌کنند؛ اما وقتی کنترل برداشته شود، آمار جرایم بالا می‌رود. در مکتب اسلام، گرچه برای جلوگیری از انحرافات به کنترل بیرونی مثل حد، قصاص، امر به معروف و نهی از منکر و... اشاره شده، عمده توجه به کنترل درونی است؛ یعنی افراد باید طوری تربیت شوند که مانع درونی در خودشان بیابند و حتی در نبود ناظر بیرونی، مرتکب خطا نشوند. محبت اهل‌بیت، به ویژه محبت وجود حضرت ولی عصر علیه السلام یکی از عوامل عمده در ترک اعمال ناشایست است؛ چراکه وقتی انسان به حضرت محبت داشت، سعی می‌کند از اعمالی که این محبت را از بین می‌برد بپرهیزد و هم‌آهنگ با میل محبوب خود حرکت کند. بنابراین، اگر عشق و محبت به حضرت حجت علیه السلام در سطح خانواده‌ها و جامعه گسترش یابد، بسیاری از معضلات اجتماعی و فردی حل خواهد شد و لازم نیست هزینه‌های گزافی صرف جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی شود.

۳. از منتظران شدن

ما به منتظر بودن مأمور شده‌ایم. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

انْتَظِرُوا الْفَرَجَ... فَإِنَّ أَحْسَبَ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْإِنتِظَارَ الْفَرَجَ؛
منتظر فرج باشید و بدانید که محبوب‌ترین اعمال نزد خدا، انتظار فرج است.

از طرفی، انتظار، صرف ادعا نیست، بلکه امری است مشکل. امیر مؤمنان می‌فرماید:

کسی که منتظر امر ماست، مثل شهیدی است که در خون خود شناور است.^۶

بنابراین، باید در عمل ثابت کرد که منتظر هستیم؛ مثل شهیدی که عملاً وارد عرصه جهاد می‌شود و سختی‌ها را تحمل می‌کند. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های اثبات ادعای منتظر بودن، انتقال محبت حضرت به فرزندان است (صداقت در انتظار)؛ به طوری که این جزء برنامه زندگی باشد و در رأس نیازهای فرزندان بدان توجه شود. در آن صورت، از برکات دعای امام صادق علیه السلام بهره‌مند خواهیم شد که فرمود:

خداوند بنده‌ای را رحمت کند که ما را نزد مردم محبوب سازد.^۶

۴. محبت، زمینه پذیرش دیگر احکام و اخلاق دینی

از راه محبت اهل‌بیت، به ویژه حضرت امام زمان علیه السلام می‌توان دیگر احکام دینی و آموزه‌های اخلاقی را به فرزندان منتقل کرد؛ چون وقتی امام خوبی‌ها نزد آنها محبوب شد، در عمل به سوی او گرایش می‌یابند و او را الگو و مرجع خود قرار می‌دهند. این از ویژگی‌های انسان است که اگر کسی نزد او محبوب شد، سعی می‌کند در گفتار و رفتار به او توجه کند و از او الگو گیرد. شاید حضرت علی علیه السلام براساس همین نکته می‌فرماید:

مَنْ أَحَبَّ نِسَاءً لِي بَدَّرَهُ؛

کسی که چیزی را دوست داشته باشد، همواره به یاد اوست.

بنابراین، محبت حضرت، بستری فراهم می‌آورد که فرزندان به سمت خوبی‌ها گرایش یابند.

۵. اهمیت خانواده

الف) خانواده، نخستین کانون و مدرسه‌ای است که فرزند بیشترین روزهای عمر کودک خود را در آن می‌گذراند (مدت زمان ارتباط).

ب) فرزند، بهترین دوران عمر تربیتی را در خانواده می‌گذراند. حضرت علی علیه السلام فرموده است:

قلب نونهال، مثل زمین خالی می‌ماند که هر چه در آن بکاری می‌پذیرد.^۷

ج) بهترین نوع ارتباط در خانواده حاکم است (عاطفه محوری).



ارزش‌های فرهنگی مختلف را پایدار می‌سازد؛
۳. می‌توانیم نتایج برنامه‌های عمل خاص را مورد توجه قرار دهیم.

سرانجام و شاید مهم‌تر از همه، جامعه‌شناسی موجب خودروشن‌گری می‌گردد و فرصت بیشتری را به گروه‌ها و افراد برای تغییر شرایط زندگی‌شان ارائه می‌دهد.^۵
با توجه به اعتقاد به منجی در غالب ادیان و بحث مصلح کل جهانی که چشم انداز آینده جهان و بشریت نقش اساسی را در استراتژی جوامع ایفا می‌کند، جامعه تشیع نیز با توجه بساور به وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام عدالت‌گستر گیتی، بر خود فرض می‌داند تا با دید جامعه‌شناسانه بحث مهدویت را مطرح کند و جوانب مختلف آن را در سطح جامعه بررسی نماید.

جامعه‌شناسی مهدویت، شناسایی عوامل و زمینه‌های اجتماعی تحقق حکومت مهدوی در عصر کنونی و مطالعه جامعه آخرالزمان است. پس موضوعات اجتماعی پیرامون مهدویت، با روش جامعه‌شناسی بیان می‌شود و در گام بعد، جامعه موعود، عنوان جامعه الگو می‌یابد.

اهداف

۱. شناخت و بررسی بایسته‌های مهدویت در جامعه‌شناسی؛
۲. بررسی مبانی جامعه‌شناختی مهدویت؛
۳. طرح مسائل جدید و نوآوری در موضوع جامعه‌شناسی؛
۴. شناخت و معرفی جامعه مهدویت و تبیین شاخصه‌های جامعه‌شناسی آن؛
۵. شناخت آسیب‌های جامعه منتظر؛
۶. فراهم نمودن زمینه تحقیق برای محققان در عرصه جامعه‌شناسی مهدویت؛
۷. پاسخ‌گویی به شبهات نسل جوان و رفع اشکالات در زمینه جامعه‌شناسی مهدویت؛
۸. تربیت نیروهای توانمند در مباحث جامعه‌شناسی مهدویت.

برنامه‌ها

۱. نگرش سنجی و انجام تحقیقات پیمایشی؛
۲. اولویت‌بندی موضوعات پژوهش و تعیین جدول

با توجه به اهمیت شگفت خانواده و وجود زمینه در فرزند، شایسته است خانواده‌ها و والدین در تربیت دینی فرزند که انتقال محبت حضرت حجت یکی از مصادیق آن است، بسیار بکوشند.

۶. نجات خانواده از آسیب‌ها

فرهنگ غرب که رفاه و لذت فردی را اصل می‌داند، باعث شده خانواده در معرض فروپاشی قرار بگیرد. این مسئله، مهم‌ترین دلیل بالا رفتن آمار طلاق در کشورهای غربی است. از طرفی، سرعت ارتباطات و انتقال فرهنگ‌ها، باعث شده این فرهنگ به کشورهای اسلامی نیز سرایت کند، و در نتیجه، خانواده جایگاه والای خود (یعنی اساسی‌ترین بنیان در اسلام که در روایات به آن اشاره شده) را کمی از دست بدهد. از پیامدهای این مسئله، بازماندن والدین از تربیت فرزندان است؛ چون در پرتو تفکر غربی، پرداختن به جسم فرزند در اولویت قرار می‌گیرد، و به تبع آن، مشکلات ناشی از کم‌بودهای تربیتی دامن‌گیر خانواده و خود فرزندان می‌شود. اما انتقال محبت حضرت به فرزندان، هم فضای خانه را نورانی و خوش‌بو می‌کند، هم پایه‌های خانواده را مستحکم می‌سازد و هم آینده خانواده فرزندان را بیمه می‌کند.

۷. نیاز خانوادها

بسیاری از والدین در امر تربیت فرزندان به مشکل برمی‌خورند. نشانه وجود این مشکلات، فراوانی مراکز مشاوره در سطح کشور، پرداختن مراکز ارتباطی و رسانه-ای به این مهم و نیز چاپ کتاب‌ها و مقاله‌های علمی فراوان در این باره است. به جرئت می‌توان ادعا کرد که اگر والدین بکوشند محبت اهل بیت علیهم السلام، به ویژه حضرت مهدی علیه السلام را از راه صحیح به فرزندان خود انتقال دهند، بسیاری از مشکلات تربیتی فرزندان را حل خواهند کرد و نیازی به اضطراب، دغدغه خاطر و صرف هزینه‌های فراوان نخواهند داشت. البته راه صحیح تربیت و انتقال محبت مهم است که در بخش راه‌کارها به آن خواهیم پرداخت.

مفاهیم کلیدی

برای روشن شدن فضای مفهومی بحث، لازم است چند واژه کلیدی را تعریف کنیم:
خانواده: جامعه‌شناسان، خانواده را بر گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌کنند که از راه خون، زناشویی یا فرزندپذیری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص با هم زندگی می‌کنند.^{۱۰}

خانواده، اولین و کوچک‌ترین جامعه‌ای است که افراد در آن پرورش می‌یابند و نیروهای درونی و استعداد های طبیعی خود را شکوفا می‌سازند. خانواده، آماده‌گاهی برای ورود بهتر و موفق‌تر به جامعه بزرگ انسانی است. بی‌شک عوامل بسیاری در شکل‌دهی به شخصیت انسان‌ها مؤثر است؛ محیط طبیعی، وراثت، جامعه و ...، اما در این میان، نقش خانواده برجستگی ویژه‌ای دارد. بخش مهمی از شخصیت انسان در خانواده شکل می‌گیرد و گزافه نیست اگر بگوییم پایه‌های خوش‌بختی و بدبختی هر فرد در جامعه کوچک خانواده بنا نهاده می‌شود. انسان‌ها، الفبای زندگی و چگونه زیستن را ابتدا از خانواده می‌آموزند و این از واقعیت دور نیست؛ زیرا بخش زیادی از دوران شکل‌گیری شخصیت انسان (دوران کودکی) در ارتباط با اعضای خانواده سپری می‌شود.

از نظر جامعه‌شناسان، خانواده دو گونه است: خانواده گسترده و خانواده هسته‌ای. خانواده گسترده، بر رابطه خونی تعداد گسترده‌ای از افراد و گروهی مرکب از سه نسل یا بیشتر مبتنی است که در یک مسکن یا در نزدیکی هم زندگی می‌کنند.^{۱۱} خانواده هسته‌ای، به یک واحد خانوادگی بنیادی که از همسر، شوهر و فرزندان‌شان ترکیب شده، اطلاق می‌شود.^{۱۲}

خانواده با هر کدام از این ساختارها، کارکردهایی دارد که نیازهای اساسی اعضای خود را برآورده می‌سازد. در ذیل به چند نمونه از کارکردهای مهم خانواده اشاره می‌کنیم:

۱. تنظیم رفتار جنسی و زاد و ولد؛

۲. مراقبت و محافظت از کودکان، ناتوانان و سال‌مندان؛

۳. امنیت اقتصادی اعضا؛

۴. اجتماعی کردن فرزندان.

با صنعتی شدن جوامع، خانواده بخشی از کارکردهای خود را به نهادهای اجتماعی دیگر واگذار کرد. با این همه، هنوز هم در بسیاری از جوامع، خانواده از مهم‌ترین عوامل اجتماعی کردن فرزندان است. اجتماعی کردن، یکی از کارکردهای مهم خانواده، جامعه‌پذیر کردن یا اجتماعی کردن کودکان است. جامعه‌پذیری، فرایندی است که انسان‌ها از راه آن، شیوه‌های زندگی را فرا می‌گیرند، شخصیت می‌یابند و آمادگی عملکرد در جامعه را به دست می‌آورند. انسان‌ها از راه درونی ساختن فرایند اجتماعی شدن، یاد می‌گیرند چگونه باید نیازهای زیستی بنیادی‌شان را به شیوه‌ای از نظر اجتماعی مقبول، برآورده سازند.^{۱۳} جامعه‌شناسان، چند چیز را از عوامل اجتماعی شدن برشمردند: خانواده، مدرسه، گروه هم‌سالان و رسانه‌های همگانی.

خانواده از مهم‌ترین عوامل فرایند اجتماعی شدن است؛ زیرا این فرایند از درون خانواده آغاز می‌شود. خانواده، نماینده تمامی جهان پیرامون کودکان است. تصویری که کودکان از خود دارند، به این بستگی دارد که اعضای خانواده، چه احساسی درباره آنان دارند. به همین دلیل، برداشت آنها از خودشان، جهان و مردم پیرامونشان، تحت تأثیر رویکرد و باورداشت‌های خانواده شکل می‌گیرد. به عبارت روشن‌تر، ارزش‌هایی که فرد می‌پذیرد و نقش‌های گوناگونی که از او انتظار می‌رود، همه و همه در چارچوب محیط خانواده آموخته می‌شود. نخستین وابستگی‌های عاطفی، در خانه برای کودک شکل می‌گیرد و زبان را در خانه می‌آموزد پس نقطه آغازین درونی شدن ارزش‌ها و هنجارها برای کودک، خانه است. شاید به همین دلیل در روایات پیشوایان دینی ما، خانواده، بهترین و محکم‌ترین بنا معرفی شده است. حضرت رسول ﷺ می‌فرماید:

زمانی؛

۳. مصاحبه‌ها و نشست‌های علمی با اساتید جامعه‌شناسی؛

۴. تدوین فرهنگ‌نامه جامعه‌شناسی مهدویت؛

۵. تدوین جزوات و کتاب‌های درسی و غیردرسی؛

۶. تشکیل کمیته‌های پژوهش مورد نیاز؛

۷. حمایت و پشتیبانی از پایان‌نامه‌های متناسب با موضوعات بحث جامعه‌شناسی مهدویت؛

۸. هم‌آهنگی و ارتباط با مراکز تخصصی و علمی؛

۹. آسیب‌شناسی محتوایی و قالبی کار گروه.

بایسته‌ها و موضوعات پژوهشی

۱. جامعه پذیری مهدویت:

(الف) راه‌های تقویت باور به مهدویت؛

(ب) ارائه الگوی جامعه‌پذیر کردن؛

(ج) عوامل زمینه ساز (خانواده، مدرسه، و...؛

(د) کودکان و نوجوانان.

۲. آثار اجتماعی اعتقاد به مهدویت:

(الف) در توسعه و پیشرفت جامعه؛

(ب) در روابط و محیط اجتماعی؛

(ج) در امنیت و نظم جامعه.

۳. فرهنگ مهدویت و انتظار

(الف) مدیریت فرهنگی؛

(ب) تعامل فرهنگی و گسترش فرهنگ مهدوی؛

(ج) نقش نهادهای اجتماعی و سازمان‌ها؛

(د) رسانه‌ها و ترویج مهدویت؛

(ه) خرده فرهنگ‌ها.

۴. تغییرات اجتماعی در گذر از غیبت به

ظهور:

(الف) انواع دگرگونی (مثبت و منفی)؛

(ب) برنامه‌ریزی و مدیریت؛

(ج) انواع تغییر؛

(د) زمینه‌های تغییر؛

(ه) عوامل تغییر (دشمنان)؛

(و) کیفیت و کمیت دگرگونی‌ها؛

مَا بَنَى فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزَّ مِنْ التَّرْوِجِ

در اسلام بنایی، در نزد خدا محبوب‌تر و محکم‌تر از ازدواج، بنا نشده است.

حضرت امام خمینی (ره) درباره نقش مهم خانواده در جامعه‌پذیر کردن و تربیت فرزندان می‌فرماید:

نقش خانواده و به خصوص مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان، بسیار حساس است و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلم‌ان نیز آسان‌تر خواهد بود. اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان، استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایبندی می‌شود.^{۱۰}

ذکر این نکته نیز شایسته است که فرایند اجتماعی شدن، ویژه دوران کودکی نیست بلکه این فرایند از همان ماه‌های اولیه تولد آغاز می‌شود و تا پایان عمر انسان ادامه می‌یابد. البته سرعت، شدت و تأثیرگذاری این فرایند در دوران خردسالی، یعنی دورانی تأثیرپذیری فرد از خانواده، بیش از مراحل دیگر زندگی است.

پیش از این گفتیم که یکی از کارکردهای مهم نهاد خانواده، اجتماعی کردن فرزندان است. نیز بیان کردیم که اجتماعی کردن، فرایندی است که در آن، افراد جامعه، ارزش‌ها، عقاید و الگوهای فکری و عملی جامعه خویش را فرامی‌گیرند. یکی از ارزش‌های مهم جامعه اسلامی ما که خانواده باید آن را به فرزندان انتقال دهد، محبت و دوستی پیامبر ﷺ و اهل بیت او، به ویژه امام زمان ﷺ است. محبت حضرت مهدی ﷺ ارزشی است که می‌تواند از راه خانواده به فرزندان انتقال یابد. اصولاً انتقال محبت آن حضرت ﷺ در راستای کارکرد اجتماعی کردن و انتقال ارزش‌های جامعه به فرزندان است. محبت اهل بیت: در جامعه ما ارزش بوده، وظیفه انتقال این ارزش به نسل‌های بعد، بر عهده عوامل اجتماعی کننده، به ویژه خانواده است.

محبت: محبت، از ماده حب و به معنای دوستی، دوست داشتن و علاقه است.^{۱۱} وقتی گفته می‌شود، من به فلان شخص محبت دارم، بدان معناست که او را دوست می‌دارم. در محبت سه عنصر مهم وجود دارد: محب و دوست‌دار، یعنی کسی که دیگری را دوست می‌دارد؛ محبوب، یعنی کسی که دیگری او را دوست دارد؛ حب، یعنی علاقه و دوستی.

محبت ورزیدن، از اموری است که در نهاد انسان‌ها به امانت نهاده شده است. اگر دوستی و محبت بین افراد اجتماع نبود، زندگی با یکدیگر امکان نداشت. محبت، گوهری است که نوع انسانی را به همدیگر نزدیک می‌سازد. در روایات دینی ما، محبت روی دیگر دین است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لَيْسَ الدِّينَ إِلَّا الْحُبُّ

آیا دین چیزی جز دوستی است؟

نیز از آن حضرت است که:

الَّذِينَ لَهُمُ الْعُزْبُ وَالْحُبُّ لِمَا نَسَبُوا
دین، دوستی است و دوستی، دین است.

این روایات، نقش برجسته محبت و محبت‌ورزی را در اجتماع دینی و کارکردهای مثبت آن در بقا و حفظ هم‌بستگی اجتماعی بیان می‌کند. در این میان، محبت ورزیدن به اهل‌بیت، ویژگی خاص خود را دارد و در روایات پیشوایان دینی ما، نشانه ایمان شمرده شده است.
پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَتُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلَىٰ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الصَّلَاةِ
هیچ‌کدام از شما ایمان کامل ندارد، مگر این‌که مرا از خودش و اهل‌بیتم را از اهل‌بیت خودش بیشتر دوست داشته باشد.

نیز محبت اهل‌بیت، نشانه دستیازی به خیر دنیا و آخرت دانسته شده است:

مِنْ رِزْقِهِ اللَّهُ حُبُّ الْأَهْلِ مِنَ الْعَمَلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَلَا تَسْكُنْ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ.^۱

خداوند به هر کس محبت اهل‌بیتم را روزی دهد، او خیر دنیا و آخرت را به دست آورده و نباید شک کند که از اهل بهشت است.

نیز از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمود:

حُبِّي وَ حُبِّ آلِي بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَلْوَالِي عَظِيمَةٍ: عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النُّمُورِ وَ عِنْدَ الْكُتَابِ وَ عِنْدَ الصَّعَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ.^۲
دوستی من و دوستی خاندانم در هفت جا که وحشت آن زیاد است، به شما نفع می‌رساند: هنگام مرگ، در قبر، هنگام برانگیخته شدن، هنگام نوشتن اعمال، هنگام حساب، هنگام سنجش اعمال و هنگام عبور از صراط.

روایات در این باره بسیار است. ما به همین مقدار بسنده می‌کنیم و خواننده گرامی را دعوت می‌کنیم در کتاب‌های مفصل، دیگر روایات را مطالعه کند.

اخلاص در تربیت

نکته اول پیش از پرداختن به بحث راه‌کارها که می‌تواند نوع نگاه ما را عوض کند و راه‌کارها را کارآمد و مؤثر سازد، توجه به بحث اخلاص است. گرچه در مکتب‌های مختلف تربیتی چنین بحثی جایگاهی ندارد، در مکتب اسلام یکی از شاخص‌های مطلوبیت امور، اخلاص است. لذا می‌توان به آن در امور تربیتی و به ویژه انتقال محبت حضرت به فرزندان توجه کرد تا از برکات فراوان آن بهره‌مند شد. در ابتدا به چند روایت در مورد اخلاص توجه کنید:

۱. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

لَا يَدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ النِّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَ سَكُونٍ. إِذْ لَوْلَمْ يَكُنْ بَرِيذًا لِمَعْنَى بَلْوَى غَافِلًا وَ الْغَافِلُونَ قَدِ وَصَفِيَهُمُ اللَّهُ بِقَوْلِهِ إِنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ أَكْرَامًا نِعَامًا بِلِغَمٍ أَصْلٌ سَيِّئًا.^۳
بنده باید نیت خود را در هر حرکت و سکونش، خالص کند. در غیر این صورت، از غافلان شمرده می‌شود؛ غافلانی که خداوند آنها را مثل چارپایان، بلکه گمراه‌تر معرفی کرده است.

۲. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

طَوْبِي لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَ عِلْمَهُ وَ حَيَّةً وَ بَقِيَّةً وَ أَهْذَةً وَ تَرَكَهُ وَ كَلِمَةً وَ صِنْتَهُ وَ فَعَلَهُ وَ قَوْلَهُ.^۴

ز) تحرک اجتماعی؛
ح) پی آمدها.

۵. قشر بندی نظام های اجتماعی آخر الزمان:

الف) انواع نظامها؛

ب) فقر و نابرابری؛

ج) جنسیت و نظام طبقاتی؛

د) کار کردها.

۶. جهانی شدن:

الف) جهانی شدن و فرهنگ انتظار؛

ب) تفاوت های جامعه مهدوی و جهانی سازی؛

ج) ایجاد بسترهای لازم جهت تحقق جامعه جهانی

موجود.

۷. نهادهای اجتماعی در عصر غیبت:

الف) آموزش و پرورش؛

ب) دین؛

ج) سیاست و حکومت؛

د) خانواده؛

ه) اقتصاد.

۸. انقلاب و عصر غیبت:

الف) انواع انقلابها؛

ب) تئوریها؛

ج) نتایج؛

د) انقلابها در طلیعه ظهور؛

ه) آشوب های قبل از ظهور؛

و) رهبران و گروه های مرجع در نهضت ها.

۹. جمعیت در عصر ظهور:

الف) رشد؛

ب) کنترل؛

ج) انتقال؛

د) سلامت؛

ه) تربیت؛

و) بیمه؛

ز) جوانی و پیری؛

خوشا به حال آن که عمل، علم، حب، بغض، انجام، ترک، کلام، سکوت، کردار و گفتارش را فقط برای خدا انجام دهد.

۳. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

العَمَلُ كَلَّةٌ لِمَا آتَى مَا أَخْلَصَ فِيهِ:

هر عملی بر باد است، جز مقداری که در آن خلوص نیت باشد.

بنابراین، والدین محترم باید بر اساس این روایات، اخلاص در تربیت را رعایت کنند و هدفشان، افتخار و بالیدن به فرزند خود نزد دیگران یا امور مادی و دنیوی نباشد. اگر هدف و نیت فقط خدا بود و این که فرزند امانت الهی است که من وظیفه دارم او را خوب پرورش دهم تا نزد خدا و اولیای او سرافراز باشم، برکات بسیاری در دنیا و آخرت از این فرزند نصیب والدین و جامعه می گردد که در روایات به برخی از آنها اشاره شده است:

۱. امام علی علیه السلام می فرماید:

فِي اخْلَاصِ النِّيَّاتِ نَجَاحُ الْأُمُورِ:

موفقیت کارها در اخلاص است.

۲. حضرت علی علیه السلام فرموده است:

مَنْ اخْلَصَ بَلِغَ الْأَمَانِ:

کسی که اخلاص داشت، به آرزوهای خود خواهد رسید.

نکته آخر این که کار خالصانه اندک، بهتر از کارهای فراوان بدون این صفت است. لذا اگر در امر تربیت و به ویژه انتقال محبت حضرت به فرزندان اخلاص باشد، تلاش کم والدین، اثر بخش تر از تلاش های بسیار بدون اخلاص خواهد بود. حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

أَخْلَصَ دِينُكَ يَنْفَعِكَ الْغَلِيلَ مِنَ الْعَمَلِ:

قلبت را خالص کن که همان عمل کم برای تو کافی است.

استمرار در تربیت

نکته دوم بحث استمرار در تربیت دینی و انتقال محبت حضرت است. کودک باید از کوچکی تا بزرگسالی، محبت حضرت را نوش جان کند و با تمام وجود آن را لمس نماید. همان طور که فرزند به غذا احتیاج دارد و والدین بر خود فرض می دانند همواره نیازهای جسمی او را برآورده سازند، در امور دینی و محبت اهل بیت نیز این باید همیشگی باشد؛ البته این کار در هر سنی به شیوه خاص خود و متناسب با توانایی فرزندان است. در بحث آسیب ها بیشتر به این بحث می پردازیم.

شاهد این مدعا که استمرار شرط لازم در امور تربیتی است، افزون بر اعتراف هر صاحب خرد و تجربه های فراوان، حقوق متقابل والدین و فرزندان بر یکدیگر است. بر این اساس، هنگامی که فرزند کوچک تر است، حق او بر والدین بیشتر است و به مرور زمان که رشد می کند و بزرگ تر می شود، حق والدین بر او بیشتر می شود. در هر حال، هر دو بر یکدیگر حق دارند. از این رو، امیر مؤمنان علی علیه السلام هنگام بازگشت از صفین، در نامه ای به فرزند خود امام حسن علیه السلام حق فرزند بر پدر را بیان می کند.^{۲۸} شایسته است این نامه تحت عنوان منشور تربیتی برای خانواده ها مطرح شود.

رادکارهای انتقال محبت حضرت

پس از بیان نقش مهم خانواده در جامعه‌پذیر کردن فرزندان و این که انتقال محبت حضرت، یکی از کارکردهای خانواده اسلامی است، نوبت به بیان راه‌کارهای انتقال محبت به فرزندان می‌رسد؛ راه‌کارهایی که رعایت آنها، حضرت را محبوب فرزندان خواهد کرد. البته نکته این‌جاست که شیوه‌های رفتاری پیشنهادی، غالباً بر اساس روایات بوده و منحصر در این موارد نیست. پس این هنر والدین است که بتوانند با شیوه‌های جذاب، عشق و محبت را در وجود فرزندان خویش نهادینه سازند.

۱. عامل وراثت و زیست‌شناختی (انتقال ویژگی‌های جسمی و روانی پدر و مادر به فرزندان)

نقش وراثت و انتقال خلق و خوی‌های والدین به فرزندان بر کسی پوشیده نیست. وراثت با وجود اختیار فرزندان، زمینه و بستر مناسبی برای پذیرش و حرکت فرزندان به سمت و سوی خاص را فراهم می‌آورد. در ذیل، به چند مورد از مواردی که به نوعی به تأثیر وراثت در روایات آمده، اشاره می‌کنیم:

الف) دقت در انتخاب همسر و مادر فرزندان پیش از ازدواج:

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

تزوَّجُوا فِي الْعَجْرِ الصَّالِحِ . فَإِنَّ الْعَرْفَ دَسَّاسٌ
با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید، زیرا خون اثر دارد.

نیز آن حضرت می‌فرماید:

تَخَيَّرُوا لِنُظْمَتِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَسْمَاءَ اخْوَانِكُمْ وَ اخْوَاتِكُمْ
برای نطفه‌های خود گزینش کنید، زیرا زنان، بچه‌هایی همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند.

همچنین بعضی از روایات، از ازدواج با افرادی نهی کرده است؛ مثل زن زیبارویی که در خانواده فاسد رشد کرده است،^{۳۱} زن احمق، زن بد زبان، مرد شراب‌خوار، بد اخلاق و... این روایات در حقیقت به نوعی نقش وراثت را در انتقال ویژگی‌ها از والدین به فرزندان بیان می‌کنند. از این رو، برخی از دانشمندان نقش وراثت را در ناهنجاری‌های اجتماعی و تبه‌کاران برجسته کرده‌اند. در تأثیر وراثت در تربیت، به نفرین حضرت نوح در قرآن توجه کنید که از خدا می‌خواهد کسی از کافران را برجای نگذارد تا دیگر نسل پلید و کافر زاده نشود:

« وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ سِحَّ الْكَافِرِينَ إِنِّي إِذًا لَكَاةٌ إِنَّكَ أَنْتَ تَرْفَعُ مَنْ تَشَاءُ عِبَادَكَ
وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فِاجِرًا كَثِيرًا »^{۳۲}

نوح گفت: پروردگارا! هیچ‌کس را از کافران بر روی زمین مگذار، چرا که اگر تو آنان را باقی نهی، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسیاس نزنند.

امیر مؤمنان علی عليه السلام می‌فرماید:

حَسَنَ الْأَخْلَاقِ بَرِّئَانِ كَرَمِ الْأَعْرَافِ
خوی نکو، نشان وراثت نیکوست.

تأثیر وراثت، به معنای اختیار نداشتن انسان نیست؛ بلکه بیان روند طبیعی انتقال صفات از اصل به فرع است. در حقیقت سعادت، شقاوت، کفر، ایمان و... در کودک حالت تعلیقی دارد که چون در محیط مساعد قرار گیرد، به فعلیت می‌رسد. به بیان دیگر، «نقش وراثت آن است که زمینه‌های سرشتی را قوی‌تر می‌کند و ضریب امکان



ج) مشکلات اجتماعی.

۱۰. شهر نشینی و تأثیرات آن در

ظهور:

الف) ویژگی‌های شهرها در آن عصر؛

ب) آداب و روابط اجتماعی؛

ج) مهاجرت؛

د) بافت شهرهای الگو.

۱۱. گروه‌های اجتماعی در عصر غیبت:

الف) احزاب و...؛

ب) گروه‌های مرجع؛

ج) رهبری گروه‌ها؛

د) انواع گروه‌ها؛

هـ) گروه‌های خودی و غیر خودی.

۱۲. هنجارها در عصر غیبت:

الف) منشأ هنجارها؛

ب) شیوه‌های انتقال؛

ج) ضمانت‌های اجرایی؛

د) راه‌های انتقال ارزش‌ها؛

هـ) قوانین و سنت‌های رایج.

۱۳. کج روی‌ها و ناهنجاری‌ها در عصر

غیبت:

الف) انواع؛

ب) علل؛

ج) مجازات‌ها؛

د) شیوه‌های مقابله؛

هـ) راه درمان.

۱۴. جنگ و ارتش:

الف) انواع نیروهای مسلح و سازماندهی آنها؛

ب) هزینه‌های نظامی؛

ج) سلاح‌های کشتار جمعی؛

د) ترور یسم؛

هـ) بازدارندگی.

۱۵. قومیت و نژاد در عصر غیبت:

الف) گروه‌های قومی؛

تحقق آنها را در شرایط محیطی مناسب افزایش می‌دهد».^{۲۴}

پس اگر انسان در انتخاب همسر دقت کند و عوامل دینی و اخلاقی را در اولویت قرار دهد، زمینه و بستری فراهم می‌آورد تا در آینده بتواند به آسانی محبت حضرت مهدی علیه السلام را به فرزند خود انتقال دهد.

ب) لقمه حلال

خوردن و آشامیدن، شرط حیات انسان و امری است که امر و نهی نمی‌پذیرد. اما این که انسان چه چیزی را بخورد و چه چیزی را نخورد، مهم است. از این رو مکتب اسلام، برای این مسئله اهمیت فراوان قائل شده و آیات و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد: ﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا﴾^{۲۵}؛ نیز در حدیث شریف است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

طَلَبُ الْعَدْلِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ

طلب روزی حلال بر هر مسلمانی واجب است.

هم‌چنین مسلمانان از پیامدهای بد غذای حرام بر حذر شده‌اند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ

ای اهل ایمان! مال یکدیگر را به ناحق نخورید.

بنابراین، والدین پیش از به دنیا آمدن فرزند، باید بدانند چه غذایی می‌خورند تا بستری مناسب را آماده کنند که در آینده فرزندشان آمادگی پذیرش محبت اهل بیت را بیابند.

ج) آداب زمان بسته شدن نطفه

در این زمینه سفارش‌های بسیاری شده است؛ از جمله خواندن دعاهای وارده، با طهارت بودن، زمان خاص و رعایت مکان. حتی کنترل افکار و خطورات ذهنی هم می‌تواند نطفه فرزندی را شکل دهد که در آینده دستورات دینی و محبت حضرت حجت را به راحتی بپذیرد.^{۲۶}

د) آداب بارداری

همه رفتار و گفتار انسان، مثل رفت و آمدها، شنیدنی‌ها، گفتنی‌ها، نگاه‌ها، اندیشه‌ها، خواندنی‌ها و ... همه به نحوی در نوزاد اثر می‌گذارد.

هـ) آداب شیر دادن

شیر دادن نوزادان آدابی دارد؛ مثل با وضو بودن، رو به قبله بودن و ... یکی از رمزهای موفقیت بزرگان دین که به مقامات عالی دینی رسیدند، رعایت همین مسائل از سوی مادران و پدران ایشان بوده است.

۲. الگوهای نقش

منظور از الگوهای نقش، کسانی هستند که فرزند رفتار آنها را سرمشق خویش قرار می‌دهد و برای او الگو به شمار می‌آیند؛ مثل والدین، دوستان و ... والدین در این باره دو نقش برعهده دارند:

الف) خودشان همانند الگو، در گفتار و کردار محبت حضرت را در دل

فرزند به وجود آورند. در این صورت، ابتدا باید خودشان حضرت را دوست بدارند و این محبت در کردار و گفتارشان بروز یابد. بنابراین، والدین که الگوی کودکان هستند، باید عاشق حضرت باشند و این عشق را نشان دهند؛ برای مثال، هنگام شنیدن نام حضرت، ادای احترام کنند و ...

ب) پدر و مادر باید الگوهای خوب را به فرزند معرفی کنند. به بیان دیگر، زمینه‌های فراهم آورند تا فرزندشان به سمت الگوهای مثبت گرایش یابد. این الگوها عبارت‌اند از: دوستان، محیط آموزشی و تربیتی (ثبت‌نام در مدرسه‌ای مناسب یا مراکز فرهنگی خاص) و خویشان و آشنایان. خلاصه، فرزند باید با کسانی ارتباط داشته باشد که عاشق حضرت حجت‌اند تا در نتیجه، فرزند در ارتباط با آنها، بر اثر الگویذیری، محبت حضرت در درونش نهادینه شود.

البته این امر نباید حالت تحمیلی یابد که کودک را مجبور به دوستی با کسی کنیم بلکه با شیوه‌های نرم و مناسب، زمینه دوستی فرزند با افراد، گروه‌ها و مراکز مناسب را فراهم آوریم تا خودش با میل و رغبت به سمت آنها برود.

۳. فرهنگ سازی

منظور آن است که والدین در راه ارزش جلوه دادن محبت حضرت به طوری تلاش کنند که این محبت و دوستی، یکی از ارزش‌های مهم برای فرزند تلقی شود. در این باره لازم است پدر و مادر نکاتی را رعایت کنند:

الف) تعظیم و تکریم حضرت از سوی والدین که پیش‌تر بیان شد:

ب) بیان زیبایی‌های حضرت:

هر انسانی، عاشق زیبایی است. بنابراین، اگر ما زیبایی‌ها و صفات نیک حضرت را به زبان کودکان بیان کنیم، آنها عاشق حضرت می‌شوند، چنان‌که حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

خداوند بنده‌ای را که ما اهل بیت را نزد مردم محبوب کند، رحمت نماید. ... همانا به خدا سوگند اگر سخنان زیبایی ما را برای مردم روایت می‌کردند، به سبب آن عزیزتر می‌شدند.^{۳۹}

در این جا برای نمونه، به چند مورد از زیبایی‌های رفتاری و ظاهری حضرت اشاره می‌کنیم:

۱. کمک به شیعیان ستم‌دیده: در نوشته‌ای از حضرت به شیخ مفید این چنین آمده است: ما نظر خود را از شما بر نمی‌گیریم و فراموشتان نمی‌کنیم که اگر چنین بود، گرفتاری‌ها شما را از پای می‌انداخت.^{۴۰}

۲. مهربانی با شیعیان: حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

... البته ما به شما از خودتان مهربان‌تریم.^{۴۱}

۳. پدر بودن حضرت برای پیروانشان: احادیثی که اشاره دارد امام در مورد مؤمنان، به منزله پدری مهربان، بلکه مهربان‌تر از پدر است.

۴. ناراحتی حضرت با ناراحتی شیعیان: در برخی احادیث آمده که امام در ناراحتی شیعیانش محزون می‌شود و در مصائب آنها متأثر و در بیماری ایشان بیمار.

۵. زیبایی ظاهری حضرت: در روایات متعدد آمده که حضرت مهدی علیه السلام، شسبیه‌ترین افراد به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و می‌دانیم که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم زیباترین و خوش صورت‌ترین مردم بوده است. هم‌چنین در برخی روایات آمده که:

المهدی من طاب ووس انش الجردة؛^{۴۲}

مهدی، طاووس بهشتیان است.



(ب) تعصب؛

(ج) تبعیض؛

(د) تعامل.

مهی که حسن جمالش ز ماه نیکوتر
قدی ز شاخه شمشاد و سرو رعنا تر
ز پرتورخ نورانی اش قمر طالع
درون گونه سرخش غروب مهر، نگر
به ملک خویش در آورده هر چه زیبایی
که حسن مردم زیبا از او بود یکسر

۱۶. کنش اجتماعی متقابل در عصر

غیبت:

(الف) انواع ارتباطات؛

(ب) صورت‌های مختلف کنش‌ها (روابط جمعی،

جشن‌ها و مراسم‌ها)؛

(ج) بدعت‌ها؛

(د) مدها؛

(هـ) شایعات.

ع دعای حضرت در حق ما: در نوشته‌ای که از حضرت رسیده،

ایشان چنین می‌نویسد:

... زیرا ما با دعایی که از خداوند زمین و آسمان پوشیده نیست، در

پی حفظ آنان (شیعیان) هستیم.^{۴۳}

(ج) بیان جایگاه والای امام در نظام عالم و فواید امام؛

با توجه به این که انسان‌ها شیفته افراد بزرگ و بزرگوار هستند، می‌توان با بیان این که حضرت واسطه فضل الهی بر بندگان و مایه قوام و ایستادگی آسمان‌ها و زمین است، و نیز تمام نعمت‌های الهی به واسطه آن حضرت به ما می‌رسد و شناختن حضرت با زندگی و مرگ جاهلی مساوی است، محبت حضرت را در دل فرزندان پدید آورد.

(د) زیبایی‌های دوران ظهور حضرت؛

بسه یقین اگر فرزندان ما درک کنند که هنگام ظهور، مردم و طبیعت چقدر زیبا می‌شوند، عاشق ظهور حضرت و خود ایشان می‌گردند. به چند نمونه از ویژگی دوران ظهور اشاره می‌کنیم:

۱. هیچ انسان فقیری پیدا نمی‌شود که انسان به او صدقه بدهد؛

۲. زمین و آسمان تمام نعمت‌های خود را ارزانی می‌کنند، به طوری که زمین سرسبز و پر آب با میوه‌های فراوان می‌شود؛

۳. امنیت فردی، اجتماعی و اخلاقی کامل در زمین حاکم می‌گردد؛

۴. همه مشکلات و گرفتاری‌ها برطرف می‌شود؛

۵. انسان‌های با ایمان حاکم زمین خواهند شد؛

این روایات، به طور تفصیلی در روایات عصر ظهور بیان شده است و می‌توان به آنها مراجعه کرد.^{۴۴}

(هـ) دقت والدین در نام نهادن بر فرزندان؛

یکی از حقوق فرزندان بر والدین، نام نیک نهادن بر آنهاست. شاید دلیل آن این باشد که در حقیقت همین نام‌گذاری، به نوعی بیان ارزش‌ها و تلقین این نکته است که اهل بیت برای ما جایگاه ویژه دارند. پس بدون تردید، ذکر نام نیک معصومان، باعث تأثیرپذیرفتن از آنها در کردار کودکان می‌شود. وقتی نام مهدی در فضای خانه برده شود، باعث یادآوری حضرت نزد فرزندان است که مقدمه محبت ایشان را فراهم می‌آورد.

۱۷. تغییرات اجتماعی دوران ظهور:

(الف) روابط اجتماعی؛

(ب) ساختار حکومت؛

(ج) نظام‌های اقتصادی - اجتماعی؛

(د) نهادها.

۱۸. هنجارها و ارزش‌های جامعه

مهدوی:

(الف) فردی؛

(ب) اجتماعی.

۱۹. ویژگی‌های نظام اجتماعی:

(الف) کنش‌های اجتماعی؛

(ب) رابطه حاکم و مردم؛

(ج) انواع خانواده (هسته‌ای و گسترده)؛

(د) علم و تکنولوژی؛

(هـ) آزادی؛

(و) امنیت.

۲۰. قشربندی اجتماعی در دوران

ظهور:

(الف) انواع؛

(ب) تبعیض و برده‌داری؛

(ج) جنسیت، سن و ...

۲۱. نهادها:

(الف) تعداد و انواع؛

و) برپایی جلسات یاد حضرت در منزل، به ویژه جشن میلاد حضرت:

معمولاً فرزندان، عاشق مراسم جشن و شادی هستند. بنابراین، اگر والدین بکوشند دست کم در نیمه شعبان جشن مختصری در منزل برپا کنند و از خویشان و فامیل دعوت نمایند و پذیرایی مختصری به عمل آورند، این کار اندک اندک عشق و محبت حضرت مهدی علیه السلام را در دل فرزندان می‌کارد. یکی از دانشمندان سنی مصری، کتابی در مورد فضیلت‌های حضرت زهرا علیها السلام به نام فاطمه و الفاطمیون نوشته است. وقتی از او انگیزه‌اش را درباره نوشتن این کتاب پرسیدند، پاسخ گفت که در کودکی پدرم به مناسبت ایام ولادت حضرت زهرا علیها السلام، مجلس جشن در خانه برپا می‌کرد و من از میهمانان پذیرایی می‌کردم و از همان کودکی، محبت حضرت زهرا علیها السلام در دل من ایجاد شد.

ز) تشویق فرزندان:

اگر فرزند کاری انجام داد که علاقه او را به حضرت حجت علیه السلام می‌رساند، مثل بلند شدن هنگام شنیدن نام حضرت، رفتن به مکان‌های منتسب به ایشان مثل جمکران و ...، او را تشویق کنیم و بگوییم حضرت هم تو را دوست دارد. این کار در درازمدت باعث ژرف شدن رابطه فرزند با حضرت صاحب‌الامر خواهد شد.

ح) حضور در مکان‌های مرتبط با حضرت:

اگر والدین همان‌طور که در مورد پوشاک و خوراک فرزندان احساس مسئولیت می‌کنند و همواره این نیاز را به شکل شایسته‌ای برطرف می‌سازند، در مورد نیازهای معنوی او نیز این احساس را داشته باشند، فرزندی با تربیت اسلامی، تقدیم جامعه خواهند داد. از این رو، اگر از برنامه‌های خانواده‌ها، حضور در مجالس یاد حضرت، مثل دعای ندبه، مجالس جشن و شادی، مجالس ذکر اهل بیت و سخنرانی، مجالس معرفتی درباره حضرت، حضور در مسجد مقدس جمکران و ... باشد، به یقین فرزندی عاشق و وجود نازنین حضرت علیه السلام تربیت خواهند کرد؛ زیرا حضور در آن مکان‌ها و مجالس، باعث یادآوری حضرت می‌شود. همین یادآوری، سبب می‌شود که کودک خود را در حضور حضرت احساس کند و برای حرکت به سمت و سوی بکوشد که حضرت بدان علاقه دارد. در حقیقت همه اینها زمینه محبت حضرت را فراهم می‌آورد.

ط) دعا کردن

نقش دعا و توسل در رسیدن به خواسته‌ها چنان روشن است که نیازی به استدلال ندارد؛ چون همه ما در زندگی بارها آن را تجربه کرده‌ایم. اما متأسفانه نکته‌ای که شاید از آن غفلت شده، دعا کردن والدین برای فرزندان است تا در مسیر صحیح قرار بگیرند. در اهمیت دعا برای فرزندان همین بس که حضرت امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه، دعای ۲۵ را به فرزندان خود اختصاص می‌دهد و از خداوند نیک‌بختری آنها را می‌خواهد. نکته دیگر این‌که، مردان بزرگ، از دعای والدینشان بسیار تأثیر پذیرفته‌اند. برای مثال، مرحوم علامه مجلسی نویسنده کتاب بحار الانوار، به برکت دعای پدر خویش به این مقام بلند رسید؛ چرا که وقتی ایشان نوزاد بوده، شبی پدرش در نماز شب، احساس می‌کند الان هر دعایی بکند، برآورده می‌شود. در همان هنگام، فرزندش یعنی علامه مجلسی که در گهواره بوده، از خواب بیدار می‌شود و گریه می‌کند. پدر هم در همان حال در حق او دعا می‌کند و بعدها ایشان به این مقام بزرگ می‌رسد.^{۴۹}

نیز این نکته جالب به نظر می‌رسد که مستحب است انسان در قنوت نماز صبح خویش این دعا را بخواند:

رَبَّنَا لَسْنَا مِنْ أَرْوَاحٍ وَنُرْيَاتُنَا قَرَّةَ الْعَيْنِ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا

نتیجه این که نباید از نقش مهم دعا در تربیت فرزندان و ایجاد محبت حضرت در دل آنها غافل بود.



(ب) اهمیت؛
(ج) کارکرد.

۲۲. عدالت اجتماعی در جامعه مهدوی:

(الف) برنامه عملی و شیوه آن؛
(ب) حدود؛
(ج) واکنش‌ها و دیدگاه‌ها؛
(د) موانع.

۲۳. نیروهای نظامی و جنگ:

(الف) اهمیت؛
(ب) نقش؛
(ج) ابزارها؛
(د) سازماندهی؛
(هـ) برخورد با دشمنان (شیوه‌های مقابله).

۲۴. جمعیت:

(الف) تعداد؛
(ب) رشد؛
(ج) کنترل؛
(د) زاد و ولد؛
(هـ) مرگ و میر.

۲۵. شهرنشینی و مهاجرت:

(الف) الگو؛
(ب) مهندسی و معماری؛
(ج) روابط؛
(د) ترکیب جمعیتی.

۲۶. گروه‌های اجتماعی:

(الف) احزاب؛
(ب) قومیت‌ها؛
(ج) هم‌سالان؛
(د) مرجع.

۲۷. جامعه پذیری:

(الف) ابزار؛
(ب) شیوه‌ها؛
(ج) رسانه‌ها؛
(د) آموزش و پرورش؛

(ی) هدیه دادن به فرزند در مناسبت‌های مربوط به حضرت:

اگر قرار است چیزی برای فرزند تهیه گردد، یا مسافرتی که می‌پسندد یا غذایی که او دوست دارد برایش فراهم شود، بهتر است در زمان‌هایی انجام گیرد که منتسب به حضرت است. این خود در جلب محبت به حضرت بسیار مهم به نظر می‌رسد. برای مثال، روزهای جمعه‌ها که متعلق به حضرت است، غذایی برای کودک درست شود که او دوست دارد.

نکته: اگر موارد پیش گفته را در قالب هنر اجرا کنیم، بسیار تأثیرگذارتر خواهد بود. برای مثال، ویژگی‌ها و زیبایی‌های حضرت را در قالب داستان، فیلم، کتاب، لوح فشرده و... به فرزندان خود منتقل کنیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آسیب شناسی انتقال محبت

ایجاد و انتقال محبت، مانند هر کار دیگری، آفت‌ها و آسیب‌های خاص خود را دارد. اصولاً هر کار با ارزش و مهم، با بی‌توجهی به معنای واقعی و غفلت از راه‌های صحیح ایجاد یا انتقال آن، می‌تواند اثر عکس داشته باشد. محبت‌ورزی نیز چنین است. برای دوری جستن از این آفت‌ها و آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها در انتقال محبت اهل‌بیت، به آسیب‌شناسی ایجاد محبت می‌پردازیم.

۱. سطحی‌نگری در معنای محبت

محبت، از مفاهیم ارزشی در همه فرهنگ‌هاست و همه جوامع انسانی، محبت ورزیدن به دیگران را به اعضای خود توصیه می‌کنند. آموزه‌های دینی نیز محبت را که ارزشی انسانی است تأیید و تأکید کرده است. البته بدون تردید در فرهنگ‌های گوناگون، تعریف‌های متفاوتی از محبت ارائه می‌شود. نباید انتظار داشت به صرف اشتراک همه جوامع در ارزش تلقی کردن محبت، معنای محبت نیز در بین همه جوامع و فرهنگ‌ها یکسان باشد؛ به ویژه در جوامع دینی که فرهنگ‌های ملی و انسانی با آموزه‌های دینی درآمیخته و ساحت جدیدی یافته است.

والدین و مربیان که دغدغه تربیت درست دینی دارند، باید خود با معنای واقعی محبت به فرهنگ دینی آشنا شوند تا در انتقال آن، به خطا و اشتباه نیفتند. سوگمندانه باید گفت که برخی از والدین و مربیان که درد دین داشته و بر ارزش بودن محبت اهل‌بیت آگاه هستند، به دلیل ناآشنایی با معنای درست و دینی از محبت، به مسیرهایی کشیده می‌شوند که نه تنها به شاهراه سعادت نمی‌انجامد، بلکه سر از ناکجا آباد شقاوت و بدبختی در می‌آورد. اما به راستی معنای واقعی محبت چیست؟ با دقت و تأمل در روایاتی که از پیشوایان دینی ما رسیده، می‌توان معنای درست محبت را دریافت. آن‌چه از مجموع این روایات استفاده می‌شود، این است که محبت یعنی دوست داشتن اهل‌بیت در عمل. در این میان، احساسات و گرایش‌هایی که با شناخت و معرفت همراه باشد، استحکام بیشتری دارد و در مقابل تندباد شبهه‌های مخالفان، استقامت بیشتری از خود نشان می‌دهد. اما اگر احساس و گرایش فرزندان ما درونی شده باشد و با پشتوانه معرفتی همراه نباشد، دور نیست که با وزش اندک شبهه بی‌بنیانی، این محبت از کف او روده شود. البته روشن است که منظور ما از پشتوانه معرفتی، استدلال‌های سنگین و درک‌ناشدنی فلسفی برای کودکان نیست بلکه غرض این است که در کنار انتقال محبت در حد فهم کودکان، آن را با معرفتی قابل فهم درآمیخته و به آنها بنوشانیم. حال ممکن است این سؤال رخ بنماید که منظور از محبت واقعی با پشتوانه محکم چیست؟

با دقت و تأمل در روایاتی که از پیشوایان دینی به ما رسیده، می‌توان معنای صحیح و کامل محبت را دریافت. آن‌چه از مجموع این روایات به دست می‌آید، این است که محبت یعنی دوستی همراه با عمل به دستورات اهل‌بیت و به عبارت دیگر، دوستی اهل‌بیت، و در گفتار، کردار و پندار مانند آنان بودن. چنین محبتی می‌تواند سعادت و خوش‌بختی را برای خانواده‌ها به ارمغان آورد. این مطلب را می‌توان به خوبی از کلام امام باقر علیه السلام استفاده کرد. ایشان به جابر جعفی می‌فرماید:

یا جابر! بلغّ نسیمتی عنی السلام و أعلمهم أنه لا فریة بیننا و بین الله عزوجل ولا یقرّب الیه إلا بالطاعة له. یا جابر! من أطاع الله و أحبنا فریو و لبنا و من عصی الله لم یضمه حسنا؛

ای جابر! از طرف من به شیعیانم سلام برسان و به آنان بگو هیچ نزدیکی بین ما و خداوند وجود ندارد و نزدیکی به او حاصل نمی‌شود، مگر به پیروی از او. ای جابر! هر کس خدا را اطاعت کند و ما را نیز دوست بدارد، دوست ماست و هر کس خدا را فرمان‌برداری نکند، دوستی ما برای او نمربخش نخواهد بود.

از این روایت استفاده می‌شود که محبت اهل‌بیت، پیوندی ناگسستنی با فرمان‌برداری خداوند دارد. کسانی



هـ) خانواده.

محبت واقعی به ائمه اطهار دارند که در گفتار، کردار و اندیشه‌شان مانند اهل بیت عمل کنند

۲۸. آسیب‌شناسی قبل از ظهور:

الف) بینش‌ها و نگرش‌ها؛

ب) کنش‌های اجتماعی؛

ج) جشن‌ها و مراسم‌ها؛

د) نهادهای اجتماعی.

۲۹. آسیب‌شناسی دوران گذار از ظهور تا استقرار

گروه‌های انحرافی: بهائیت، بابیت، شیخیه و ...؛

۳۰. آسیب‌شناسی دوران حکومت؛

۳۱. آسیب‌شناسی درون گروهی (محتوی و قالب)؛

۲. عدم ایجاد انگیزه در فرایند انتقال محبت

انسان برای انجام هر کاری در درجه نخست نیازمند انگیزه‌ای است که وی را برای انجام آن آماده سازد. انگیزه، عاملی است درونی که رفتار انسان را در راه رسیدن به هدفی خاص هدایت می‌کند. گرسنگی، انگیزه‌ای است برای رفتن به طرف غذا و برطرف کردن تنش حاصل از گرسنگی. نیاز به توجه و مقبولیت هم، عاملی است برای رفتار کردن براساس معیارهای دیگران. این انگیزه‌ها در میان انگیزه‌های دیگر، عامل شکل‌گیری رفتار انسان‌ها به شمار می‌آید. هر رفتاری که از انسان سر می‌زند، در لایه‌ای از آن، انگیزه یا انگیزه‌هایی آشکار یا پنهان است.

در تربیت و ایجاد محبت اهل بیت، ما در پی آن هستیم که فرزندان با انگیزه‌های خود و گام‌هایی که خود برمی‌دارند، در راه رسیدن به اهداف مطلوب تلاش کنند. به وجود نیاموردن انگیزه در راستای انتقال محبت امام زمان علیه السلام و سعی در انتقال اجباری این محبت، اثری عکس خواهد داشت. جبر آشکار، نه تنها ایجاد انگیزه نکرده، آن را ضعیف و گاه تبدیل به ضد خود می‌کند.

انسان برای انجام هر کار، به سه جزء رفتاری احتیاج دارد: اول این که باید شناختی درباره آن کار داشته باشد؛ دوم این که باید از انگیزه کافی برای آن کار برخوردار باشد؛ یعنی یک نیروی روانی او را به سمت انجام آن کار سوق دهد؛ سوم، حرکت به سوی انجام کار. سه جزء شناخت، انگیزه و حرکت، اجزای مکمل برای انجام یک کار هستند. همه ما می‌دانیم که آب، موجب رفع تشنگی می‌شود و بیشتر می‌توانیم آب را درون ظرفی ریخته، آن را بنوشیم؛ یعنی جزء شناختی و جزء حرکتی را در اختیار داریم. ولی تا زمانی که به حد کافی تشنه نشده‌ایم، اقدام به خوردن آب نمی‌کنیم. به عبارت دیگر، تا زمانی که انگیزه یا نیروی درونی ما به حد معینی نرسد، ما را به انجام آن کار وادار نمی‌کند. وجود انگیزه برای انجام هر کار لازم و ضروری است. برای انتقال محبت حضرت مهدی علیه السلام و پذیرش آن از سوی فرزندان، باید انگیزه کافی در آنها به وجود آمده باشد. خانواده ابتدا باید آمادگی فهم و پذیرش این محبت را برای او فراهم آورد و سپس به انتقال آن همت گمارد. وقتی انسان برای انجام کاری انگیزه مناسب داشته باشد، معمولاً از عهده انجام آن به خوبی بر می‌آید؛ ولی وقتی انگیزه آن به حد کافی بالا نباشد، کشتی برای انجام آن نخواهد داشت.

باید توجه داشت که برای پذیرش یک ارزش و هنجار اجتماعی از سوی فرزندان، نیاز به یک نکته اثباتی و یک نکته سلبی احساس می‌شود. نکته اثباتی این است که باید در فرزندان انگیزه ایجاد کرد. از راه تشویق، تنبیه یا هر کار درستی که انگیزه‌ها را بالا می‌برد و شرایط لازم را برای پذیرش ارزش‌ها آماده‌تر می‌کند. نکته سلبی هم این است نباید در فرایند انتقال ارزش، به ظرفیت‌های روانی و جسمی فرزندان بی‌توجهی کرد. فرزندان ما هر کدام قابلیت‌ها، استعدادها و ظرفیت‌های ویژه‌ای دارند و وجود تنوع ظرفیت‌ها، تنوع شیوه‌ها و راهکارها را در انتقال ارزش‌ها می‌طلبد. برای مثال تصور کنید پدر و مادری به هنگام پخش کارتون یا فیلم سینمایی مورد علاقه کودک، از

بایسته‌های پژوهشی

۱. دوران قبل از ظهور:

الف) جامعه پذیری مهدویت؛

ب) آثار اجتماعی اعتقاد به مهدویت؛

ج) فرهنگ مهدویت و انتظار؛

د) تغییرات اجتماعی در گذر از غیبت به ظهور؛

هـ) نظام اجتماعی آخرالزمان (قشربندی اجتماعی)؛

و) جهانی شدن؛

ز) نهادهای اجتماعی در عصر غیبت؛

ح) انقلاب و عصر غیبت؛

ط) جمعیت در عصر ظهور؛

ی) شهر نشینی و تأثیرات آن در ظهور؛

ک) گروه‌های اجتماعی در عصر غیبت؛

ل) هنجارها در عصر غیبت؛

م) کجروی‌ها و ناهنجاری‌ها در عصر غیبت؛

ن) جنگ و ارتش؛

س) قومیت و نژاد در عصر غیبت؛

ع) کنش اجتماعی متقابل در عصر غیبت.

۲. عصر ظهور و حضور حضرت:

الف) تغییرات اجتماعی دوران ظهور؛

ب) هنجارها و ارزش‌های جامعه مهدوی؛

ج) ویژگی‌های نظام اجتماعی؛

د) قشربندی اجتماعی در دوران ظهور؛

هـ) نهادها؛

و) عدالت اجتماعی در جامعه مهدوی؛

او می‌خواهند باید حتماً همین الان نمازش را بخواند یا برنامه حفظ قرآنش را در همان وقت قرار دهد. این گونه رفتارها که بدون توجه به ظرفیت‌های روانی و روحی کودک صورت می‌پذیرد، اثر مطلوبی نخواهد داشت؛ بلکه برعکس، باعث واکنش کودک به آن کار و حتی دلزدگی او می‌شود. انتقال محبت امام زمان علیه السلام ارزشی مهم، بزرگ و ضروری است، ولی پیش از شروع به آن، باید انگیزه‌های لازم را برای این انتقال محبت فراهم کرد. از سوی دیگر، در این فرایند توجه به ظرفیت‌های روانی، روحی و جسمی کودک بسیار کارساز است. استاد شهید مطهری (ره) درباره توجه ظرفیت‌های انسان‌ها در امور عبادی می‌فرماید:

روح انسان فوق‌العاده لطیف است و زود عکس‌العمل نشان می‌دهد. اگر انسان در یک کاری بر روح خودش فشار بیاورد، تا چه رسد به روح دیگران، عکس‌العملی که روح انسان ایجاد می‌کند، گریز و فرار است. مثلاً در عبادت، جزء توصیه‌های پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که عبادت را آن قدر انجام دهید که روحتان نشاط عبادت دارد؛ یعنی عبادت را با میل و رغبت انجام دهید. وقتی یک مقداری عبادت کردید، نماز خواندید، مستحبات را به جا آوردید، نافله انجام دادید، قرآن خواندید و بی‌خوابی کشیدید، دیگر حس می‌کنید الان این عبادت سخت و سنگین است، یعنی به زور دارید بر خودتان تحمیل می‌کنید، فرمود دیگر این جا کافی است. عبادت را به خودت تحمیل مکن. همین قدر که تحمیل کردی، روحت کم کم از عبادت گریزان می‌شود. گویی عبادت را مانند یک دوا به او داده‌ای. آن وقت یک خاطره بد از عبادت پیدا می‌کند. همیشه کوشش کن در عبادت نشاط داشته باشی و روحت خاطره خوش از عبادت داشته باشد. به جابر فرمود: ... جابر! آن آدم‌هایی که خیال می‌کنند با فشار آوردن بر روی خود و سخت‌گیری بر خود زودتر به مقصد می‌رسند، اشتباه می‌کنند. اصلاً به مقصد نمی‌رسند. مثل آنرا مثل آن آدمی است که مرکی به او داده‌اند که از شهری به شهری برود. او خیال می‌کند هر چه به این مرکب بیشتر شلاق بزند و فشار بیاورد، زودتر می‌رسد. ... آدمی که بر روی خود فشار می‌آورد و زاید بر استعداد خویش، بر خویش تحمیل می‌کند، خیال می‌کند زودتر به مقصد می‌رسد؛ او اصلاً به مقصد نمی‌رسد.^{۴۸}

۳. عدم ارزش‌انگاری فرایند محبت در خانواده

هر جامعه، اموری دارد که اعضای اجتماع آن را ارزش می‌دانند؛ بدین معنا که جامعه هنجارها و قواعد رفتاری اعضای خود را براساس آن ارزش‌ها نظم می‌بخشد. کسی که ارزش بودن یک چیز را پذیرفته باشد، سعی می‌کند به هنجارهای برآمده از آن ارزش پایبند باشد. اما اگر کسانی آن چیز را با نگاه ارزشی نبینند و برای آن ارزش قائل نباشند، بی‌شک اجزای هنجارهای مبتنی بر آن چیز را برای خود ضروری نمی‌دانند. پس برای این که اعضای جامعه خود را پایبند و علاقه‌مند به هنجار بدانند، لازم است به پایه آن هنجار، یعنی ارزش، نگاهی ارزشی داشته باشند.

محبت امام زمان علیه السلام و همچنین انتقال آن به فرزندان، ارزشی است که برای خود قواعد رفتاری خاصی را ساخته و پرداخته می‌کند. برای این که فرایند انتقال محبت به خوبی صورت پذیرد، باید خانواده، محبت حضرت مهدی علیه السلام و انتقال این محبت را ارزش بدانند و نگاه آنان به انتقال محبت، نگاهی ارزشی باشد. نگاه ارزشی نداشتن به این فرایند، از آسیب‌های آن است. بسیار اتفاق می‌افتد که یک خانواده، به هر دلیلی تلاش می‌کنند رفتار خاصی را به فرزندان خود انتقال دهند، در حالی که خود یا هیچ عقیده‌ای به آن ندارند یا اگر عقیده دارند، نوع نگاهشان نگاهی پایین‌تر از ارزش بودن آن کار است. نشانه این عدم ارزش‌انگاری این است که خانواده خود بدان چه می‌گویند و از فرزند می‌خواهند عمل نمی‌کنند. دل پدر و مادر باید سرشار از محبت اهل بیت: باشد و آن را در عمل نشان دهند تا کودک احساس کند این محبت، از ارزش‌های خانواده و جامعه‌ای است که به آن تعلق دارد. از سوی دیگر، ارزش‌انگاری محبت امام زمان علیه السلام سبب می‌شود خانواده با وسواس و اهمیت بیشتری به انتقال آن همت گمارد. بسیاری از خانواده‌های مؤمن و مسلمانی که خود اهل بیت: را دوست دارند، اما نگاهشان



ز) نیروهای نظامی و جنگ؛

ح) جمعیت؛

ط) شهرنشینی و مهاجرت؛

ی) گروه های اجتماعی؛

ک) جامعه پذیری.

۳. آسیب شناسی:

الف) آسیب شناسی قبل از ظهور؛

ب) آسیب شناسی دوران گذار از ظهور تا استقرار

(گروه های انحرافی: بهائیت، باییت، شیخیه و ...)

ج) آسیب شناسی دوران حکومت؛

د) آسیب شناسی درون گروهی (محتوی و قالب).

به آن، نگاهی عادی و معمولی، به مانند نگاه به امور روزمره زندگی است. از این رو، کمتر آستین همت را برای انتقال آن به فرزندان خود بالا می زنند. فرزند اگر بین گفتار و کردار پدر و مادر هم آهنگی ببیند، به ارزش بودن محبت پی می برد و پذیرش آن برای او آسان تر می شود. انسان بیش و پیش از آن که از کلام دیگران تأثیر پذیرد، از عمل آنان متأثر می شود. انسان ها به ویژه در کودکی، عمل افراد را زودتر از کلامشان درک می کنند. وقتی کسی با عصبانیت یا خشونت به کودک چیزی می گوید، او پیش از هر چیز حالت و عمل او را به خوبی درک می کند؛ خواه کلام او را بفهمد یا نفهمد. اگر فرزندان ما را به مطالعه، نماز خواندن و محبت امام زمان علیه السلام توصیه کنیم، او هرگز این توصیه را بدون مقایسه یا مشاهده آن در رفتار ما درک نمی کند. چه زیباست پدر و مادر با رفتار، منش و سلوک عملی خود، ارزش بودن محبت امام زمان را به فرزندان خود انتقال دهند. چه زیباست این صحنه که پدر و مادری دست فرزند خود را گرفته به مسجد جمکران ببرند و با عمل خویش، راه و رسم عشق ورزی با امام زمان را در جان فرزند خود بنهینند. همه ما کم و بیش این تصویر زیبا را دیده ایم که دختری کم سن و سال، در کنار مادرش چادر سفید و زیبایی بر سر می کند و از نماز خواندن مادر تقلید می کند. او با مادر قیام می نماید، رکوع می رود، سجده می کند و راز و نیاز خود را با خدا به پایان می برد. شیرینی این حضور ناخودآگاهانه، برای همیشه در کام او باقی می ماند و نگاه ارزشی او را به این عمل، شکل می دهد.

در قرآن کریم، خداوند کسانی را که فقط با زبان و نه با عمل با مردم تعامل می کنند، مذمت کرده و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ﴾^۱ ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی به زبان می گوئید که در مقام عمل خلاف آن را انجام می دهید». نیز می فرماید:

از این عمل که سخنی بگوئید و خلاف آن عمل کنید بترسید که (این کار) بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می آورد.

۴. شناخت مدل نمودن برنامه های آموزشی:

انجام هر کار بدون نظم، ترتیب و برنامه ریزی، ناکامی یا شکست را به همراه خواهد داشت. با نگاه به ساخت های پیچیده درمی یابیم که اگر نظم و چینش مناسب اجزا نباشد، کارکرد آنان تحقق نمی یابد. هنگامی ساعت، زمان را به ما نشان می دهد که همه پیچ و مهره هایش با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته باشند، به گونه ای که اگر یک جزء در جای مناسب خود قرار نگیرد، ساعت، زمان درست را نشان نخواهد داد.

در عالم هستی و بی کرانه نیز، اگر نظم نبود، هستی به وجود نمی آمد. هر کاری به برنامه ریزی و تأمل نیاز دارد. انتقال محبت امام زمان علیه السلام نیز از این حکم بیرون نیست. بی برنامه عمل کردن و نظام مند نبودن این فرایند، از آسیب های مهم آن به شمار می آید. هر کاری هر چند خوب و پسندیده، اگر بی برنامه انجام شود، محکوم به کاستی یا شکست است. پیش از انجام هر کار، باید اندیشید و راه های گوناگون انجام آن را بررسی کرد. بی توجهی به این امر، یا انسان را به طور کامل از رسیدن به هدف باز می دارد یا سرعت انجام آن را کاهش داده، فرصت را می سوزاند.

پی نوشت

۱. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۱۹-۱۸.
۲. ساموئل کینگ، جامعه شناسی، ترجمه شفق حمدانی، ص ۱۵.
۳. نک: همان، ص ۳۲.
۴. نک: همان، ص ۳۷.
۵. آنتونی کیدنز، جامعه شناسی، ترجمه رحیم منصوری، ص ۴۹.

پدر و مادر باید فرایند انتقال محبت را عملی مهم و بالارزش تلقی کنند و آن را نیازمند به برنامه‌ریزی دانسته، به بهره‌گیری از روش‌های سریع اهتمام ورزند. ما برای تفریح در ایام تعطیل‌مان برنامه‌ریزی می‌کنیم؛ این که به کجا برویم، از کدام جاده حرکت کنیم و با چه وسیله‌ای سفر کنیم، اما برای امر مهمی مانند انتقال محبت امام زمان که تضمین کننده سعادت و خوش‌بختی دنیا و آخرت فرزندان است، این چنین وسواس به خرج نمی‌دهیم و خیال می‌کنیم آن نیاز به برنامه‌ریزی ندارد؛ در حالی که این وادی پر از سنگلاخ است. باید دست کودک را بگیریم و قدم به قدم از این وادی سخت به ساحل امن محبت امام زمان برسانیم. البته این تلاش بی‌اجر و بهره نخواهد ماند؛ زیرا در دین ما، حق و تکلیف دو روی یک سکه هستند. وقتی انتقال محبت امام زمان تکلیف پدر و مادر باشد، آنان نیز حقی خواهند داشت که در نزد خداوند محفوظ است. ذکر این نکته شایسته بیان است که به کارگیری روش‌های هنری در این فرایند، تأثیر بیشتری دارد. روح لطیف کودک، با لطافت و بی‌پیرایگی هنر قربایت و نزدیکی دارد. اصولاً حس زیباشناختی در کودکان نیرومندتر است. شاید از همین روست که سازندگان اسباب‌بازی‌های کودکان را سعی در زیباسازی محصولات خود دارند و می‌بینیم که چگونه برق چشمان کودک را به خود مشغول داشته‌اند. حال که شیوه‌های هنری اثربخشی بالایی دارد، چرا ما از شیوه‌های هنری در تربیت دینی فرزندانمان استفاده نکنیم؟ داستان امام حسن و امام حسین که با استفاده از هنر تئاتر، وضو گرفتن صحیح را به پیرمرد آموختند، در تاریخ معروف است. در خرید کتاب، فیلم، بازی‌ها، و هر هدیه دیگر دقت کنیم و از این جلوه‌های هنری در راستای وظیفه انتقال محبت امام زمان به کودکان، بهره‌جوییم.

خلاصه سخن این که در این فرایند، باید نظام‌مند و با برنامه عمل کرد و غفلت از این امر مهم، تلاش‌ها را بی‌ثمر خواهد گذاشت.

۵. تعارض‌های هنجاری درون و بیرون خانه

یکی دیگر از آسیب‌های فرایند انتقال محبت امام زمان علیه السلام به فرزندان، تعارض هنجاری است که بین آموزه‌های درون و آموخته‌های بیرون خانه برای کودک به وجود می‌آید. امروزه بخشی از کارکرد آموزشی و پرورشی خانواده، به نهاد آموزش و پرورش سپرده شده است؛ بدین معنا که کودکان پس از رسیدن به سنین شش و هفت، بخشی از وقت خود را در محیط مدرسه و بیرون از خانه می‌گذرانند. از سوی دیگر، آنها در این سنین گرایش بیشتری برای خروج از خانه و همراهی با گروه‌های هم‌سال خود دارند. این دگرگونی موقعیتی با همه ثمرات و کارکردهای مثبت، آسیب‌هایی را نیز در پی خواهد داشت. از جمله این آسیب‌ها، تعارض‌هایی است که کودکان بین آموزه‌های بیرون و درون خانه احساس می‌کنند که سبب سردرگمی و حیرت رفتاری آنان می‌شود. برای مثال، کودک در خانه یاد می‌گیرد که دروغ بد است و راستگویی خوب است. پدر و مادر هم در خانه دقت می‌کنند تا فرزندان را این‌گونه جامعه‌پذیر کنند. اما همین کودک وقتی پای به بیرون از خانه می‌گذارد، در کوچه و خیابان و کلاس و مدرسه، آشکارا می‌بیند بسیاری از آدم‌های اطراف او به راحتی دروغ می‌گویند و ظاهراً هیچ احساس گناهی هم نمی‌کنند. این جریان، کودک را در دو موقعیت متفاوت قرار می‌دهد که هر کدام از آن موقعیت‌ها، هنجاری خاص را می‌طلبد؛ البته ممکن است حتی تأثیر گروه هم‌سالان بر او نیرومندتر بوده، او را به دروغ گفتن وادارد.

این تعارض هنجاری، در فرایند انتقال محبت امام زمان هم دیده می‌شود. بدین صورت که خانواده تلاش می‌کند محبت را به فرزند انتقال دهد و آن را ارزش مهم تعریف کند و هنجارهای خاصی را از کودک بطلبد، ولی ممکن است در خارج از خانه، در مدرسه و کلاس درس و مکانی که کودک آموزش می‌بیند، نگاه ارزشی به این فرایند وجود نداشته باشد و گاه سمت و سوی آموزش نیز به سوی زدودن محبت باشد. این‌جاست که آسیب رخ می‌نماید. در این‌جا خانواده باید بسیار دقت کند، آسیب‌ها را تشخیص دهد و آنها را از فرا روی کودک خود کنار بزند. برای این منظور، خانواده باید در انتخاب محیط آموزشی و پرورشی فرزند خود دقت کافی را مبذول بدارد. هر مدرسه‌ای شایستگی آموزش و پرورش کودک را ندارد و نقش معلم فرزند، تعیین کننده است. نگاه ارزشی داشتن



معلم یا عدم نگاه ارزشی او به فرایند محبت، نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری ذهنیت کودک ایفا می‌کند. خانواده باید به کودک در انتخاب دوستان هم‌سال کمک کند. رفتار و گفتار دوستان در کودک اثر زیادی بر جای می‌گذارد؛ زیرا او بخش زیادی از اوقات فراغت خود را با گروه هم‌سالان می‌گذراند. همچنین باید در خریدن جایزه‌ها و در انتخاب کتاب‌ها و فیلم‌هایی که برای او تهیه می‌کنند، توجه کامل داشته باشند. حتی در جریان رفت و آمد با دوستان و آشنایان خود، از اثرپذیری او از آشنایان غفلت نورزند؛ خانه هر آشنایی شایستگی رفت و آمد زیاد کودک را ندارد.

روشن است که هم‌آهنگی همه جانبه آموزه‌های درون و بیرون خانه، ممکن نیست؛ زیرا بالاخره ما در خلاء زندگی نمی‌کنیم و نیازمند ارتباط با دیگران هستیم، اما نکته مهم آن است که با توجه به آسیب‌ها و کم کردن زمینه بروز آنها، کودک مصونیت و آسودگی خاطر بیشتری خواهد داشت.

۶. افراط و زیاده‌روی در فرایند انتقال

زیاده‌روی و افراط در فرایند انتقال محبت، از دیگر آسیب‌های آن است. اساساً افراط و زیاده‌روی و همچنین تفریط و کم‌کاری در هر امری نكوهیده و آفت است. در هر کاری باید آهنگ تعادل نواخت. در نهج البلاغه امیر مؤمنان یکی از ویژگی‌های انسان مؤمن را تعادل و میانه‌روی در رفتار معرفی کرده‌اند: «مشیهم الاقتصاد؛ میانه‌روی، شیوه عمل آنان است».^{۵۱} در آموزه‌های دیگر دینی، حتی از زیاده‌روی در کارهای نیک و پسندیده نیز، نهی شده‌است. در روایات پیشوایان دینی آمده که عبادت را بر خودتوان تحمل نکنید. هر چیزی به جای خویش نیکوست. آب که مایه حیات و زندگانی است، اگر بیش از حد آشامیده شود، ملامت‌خیز و آفت‌زا خواهد بود. امام علی علیه السلام زیاده‌روی و کم‌کاری را به عنوان دو ویژگی انسان‌های نادان و بی‌خرد برشمرده‌اند:

لَا تَرَى الْعَاصِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا^{۵۲}

نادان یا زیاده‌روی می‌کند یا کم‌کاری.

بدون تردید محبت به امام زمان علیه السلام ارزشی مهم و نیک است. در این‌جا نیز باید شیوه میانه‌روی را پیمود و از افراط و زیاده‌روی پرهیز کرد. یکی از مصادیق روشن افراط در محبت، انتقال محبت به گونه‌ای است که موجب یا زمینه‌ساز غلو در مورد امام زمان می‌شود. غلو بدین معناست که به امام زمان علیه السلام و امامان دیگر، شأنی خدایی و فوق بشری نسبت دهیم و کارهایی را که مختص به ذات پاک خداوند است و انجام آن برای غیر خدا جایز نیست، از امام زمان علیه السلام بخواهیم. برای مثال، شأن خدایی و شایسته پرستش بودن از ویژگی‌های خاص خداوند است. اما گاه از طرف برخی از ناآشنایان به آموزه‌های دینی، به عمد یا از روی نادانی، به امامان نیز نسبت داده می‌شود. نمونه‌هایی از این افراط‌کاری را در اشعار، سروده‌ها یا مداحی‌های جاهلانه می‌توان به روشنی مشاهده کرد. نزدیکی فرزندان ما افزایش می‌دهد. وظیفه خانواده‌هاست که در انتخاب مجالس مذهبی، به فرزندان یاری رسانند. هر مجلسی هرچند به نام اهل بیت برگزار شود، شایستگی حضور ندارد.

در آموزه‌های دینی، خود اهل بیت از غلو کردن نهی کرده‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم، انسان‌های کاملی بودند که در همه جهات تعالی و فضیلت، از همه مردم رتبه بالاتری داشتند؛ با این حال اجازه نمی‌دادند کسانی لب به تملقشان بکشایند و در مدح آن‌ها زیاده‌روی کنند و گاه به صراحت آن افراد را از خود طرد می‌نمودند. مردی حضور امام هادی علیه السلام رسید و در مدح او زیاده‌روی کرد، امام به وی فرمود:

برخیز و پی کارت برو؛ زیاده‌روی در ثناگویی موجب بدگمانی می‌شود. سپس نصیحتش نمود

و فرمود: هر وقت در محل مطمئنی با برادر دینی‌ات مواجه شدی، از تملق‌گویی به حسن نیت

عدول نما^{۵۳}

امیرمؤمنان نیز با چنین افرادی برخورد می‌نمود. از آن حضرت نقل شده است:

فصلك في رحلته: مُصَبُّ غَالٍ وَ نَيْفُضٌ قَالٌ:

درباره من دو گروه هلاک می‌شوند: دوست‌دار غلو کننده و دشمن هرزه‌گو.

در پایان، ذکر این نکته را شایسته می‌دانیم که امامان معصوم، انسان‌هایی برتر بودند، نه این که برتر و فراتر از انسان (فوق انسان) باشند؛ آنها حد کمال انسان بودن را با تمام فضیلت‌ها و کمالات در خود داشته‌اند، اما هیچ‌گاه خود را فراتر از انسان نمی‌پنداشتند بلکه برعکس، همیشه بر انسان بودن خود تأکید می‌کردند:

قَالَ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ:

ای پیامبر! بگو من جز بشری همانند شما نیستم که وحی بر من نازل می‌شود.

نتیجه‌گیری

نقش خانواده در فرایند انتقال محبت امام زمان علیه السلام بی‌نظیر و بی‌بدیل است. البته امروزه دگرگونی‌هایی در کارکرد آموزشی و پرورشی نهاد خانواده به وجود آمده، ولی هنوز هم نقش خانواده در این فرایند، برجسته و مهم است.

تحقق درست این فرایند، زمانی خواهد بود که خانواده نگاهی ارزشی به این فرایند داشته باشد و خود نیز در رفتارهای روزمره، هنجارهایی مبتنی بر این ارزش را به کار برده، با سلوک عملی خود، زمینه‌ساز انتقال محبت امام زمان علیه السلام به فرزندان شود.

باید توجه داشت که انتقال این ارزش مهم، برنامه‌ریزی و نظام‌مندی خاصی را می‌طلبد و در این جریان، آسیب‌هایی نیز وجود دارد که غفلت از آنان، این فرایند را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. شناخت این آسیب‌ها و پیش‌گیری از آنها، فرایند انتقال محبت امام زمان علیه السلام را با تأثیربخشی بالاتری محقق خواهد ساخت.

کتابنامه

۱. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، [بی‌تا].
۲. النعمانی، غیبت نعمانی، ترجمه: محمد جواد غفاری، صدوق، تهران، ۱۳۷۶.
۳. پاک‌نیا، عبدالکریم، حقوق متقابل والدین و فرزندان، کمال الملک، قم، ۱۳۸۱.
۴. ری‌شهری، محمد مهدی، میزان الحکمة، ترجمه: حمیدرضا شفیعی، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۳.
۵. رفیعی، بهروز، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانئ آن، پژوهشکده حوزه دانشگاه، قم، ۱۳۸۱.
۶. زمخشری، تفسیر کشاف، دار احیاء التراث العربی، بیروت، [بی‌تا].
۷. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: منصور بهلوان، جمکران، قم، ۱۳۸۲.
۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الاثر، مؤسسه حضرت معصومه، قم، ۱۳۷۹.
۹. کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، توتیا، تهران، ۱۳۷۵.
۱۰. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، نی، تهران، ۱۳۷۶.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۱۲. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، صدرا، قم، [بی‌تا].
۱۳. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، مهر قائم، اصفهان، ۱۳۸۳.



پی نوشت‌ها:

۱. محمد محمدی ری شهبازی، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضاشافیعی، ج ۱۴، ص ۳۶۸، چاپ چهارم: دارالحدیث، قم، ۱۳۸۳؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۵۶.
۲. سوره شوری، آیه ۲۲.
۳. زمخشری، تفسیر کنشاف، ج ۳، ص ۴۶۷، ذیل آیه ۲۳ سوره شوری.
۴. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۷۲.
۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳؛ خصال، ص ۶۱۶.
۶. لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الاتر، ص ۴۹۶.
۷. موسوی اصفهانی، مکالم المکارم، ج ۲، ص ۲۲۱.
۸. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۳۶؛ علی بن محمد اللیثی الواسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۵۳؛ غرر الحکم، ج ۷۸۵۱.
۹. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۱۰. بروس کوئن، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن نلاتی، ص ۱۲۷.
۱۱. آنتونی گیندر، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، ص ۴۲۶.
۱۲. درآمدی بر جامعه شناسی، ص ۱۲۸.
۱۳. همان، ص ۷۲.
۱۴. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۱۴ و ج ۱۰۰، ص ۲۲۲.
۱۵. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۱.
۱۶. منجد الطلاب.
۱۷. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۳۷؛ خصال، ص ۲۱.
۱۸. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۸۴.
۱۹. کنز العمال، ج ۱، ص ۴۱.
۲۰. مشکوٰۃ الانوار، ص ۸۱؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۰۴.
۲۱. روضة الواعظین، ص ۲۷۱؛ شیخ صدوق، فضائل الشیعه، ص ۵.
۲۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۵۴؛ مصباح الشریعه، ص ۵۳.
۲۳. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۵۶.
۲۴. همان، ج ۳، ص ۷۶۰؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۵۴؛ غرر الحکم، ج ۶۵۱۰.
۲۵. همان، ص ۱۱۴۳۶؛ غرر الحکم، ج ۷۶۷۵.
۲۶. همان.
۲۷. همان، ج ۳، ص ۱۲۴۶؛ کنز العمال، ج ۲۴۵۵۹؛ سیوطی، ۲۸. نهج البلاغه، نامه ۲۶.
۲۹. همان، ج ۵، ص ۲۲۵۸؛ کنز العمال، ج ۲۴۵۵۹؛ زمخشری، الفایق فی غریب الحدیث، ص ۲۲۹.
۳۰. همان؛ الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۵۰۳.
۳۱. همان، ص ۲۲۶۰.
۳۲. سوره نوح، آیات ۲۷-۲۶.
۳۳. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۴۰؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۲۸.
۳۴. بهروز رفیعی، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، ص ۱۶۴.
۳۵. سوره نحل، آیه ۱۱۴.
۳۶. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰۷۵.
۳۷. سوره نساء، آیه ۲۹.
۳۸. رک: وسایل الشیعه، ج ۲۰.
۳۹. مکالم المکارم، ج ۳، ص ۲۲۱.
۴۰. همان، ج ۱، ص ۱۷۰.
۴۱. همان، ص ۱۱۷.
۴۲. همان، ص ۱۳۴.
۴۳. همان، ص ۱۶۰.
۴۴. نک: حسن مهدویان، بهاری‌ترین فصل انسان، مؤسسه انتشار نور، قم، ۱۳۸۳.
۴۵. عبدالکریم پاک‌نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، ص ۴۳.
۴۶. سوره فرقان، آیه ۷۴.
۴۷. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۷؛ شیخ صدوق، آمالی، ص ۲۹۶.
۴۸. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۲۱۲.
۴۹. سوره صف، آیه ۲.
۵۰. همان، آیه ۳.
۵۱. نهج البلاغه، خطبه همام.
۵۲. نهج البلاغه، حکمت ۷۰.
۵۳. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۲۱.
۵۴. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۷.
۵۵. سوره کهف، آیه ۱۱۰.